

مجله علمی - تحقیقی بین المللی دیوان

دیوان نړیوال علمی - څېړنیز ژورنال

مجله دیوان الدولية للبحوث العلمية

DİWAN Uluslararası Bilimsel Araştırma Dergisi  
DİWAN International Scientific and Research Journal

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

دوره ۵؛ شماره ۲؛ تابستان و خزان ۱۴۰۳

Volume 5<sup>th</sup>; Issue 2<sup>nd</sup>; Summer & Fall 2024حکم سکونت در کشورهای غیراسلامی در پرتو شریعت اسلامی  
حکم الإقامة في الدول غير الإسلامية في ضوء الشريعة الإسلامية

Ruling on Residence in Non-Islamic Countries in The Light of Islamic Sharia

İslam Şeriatı Işığında Gayri Müslim Ülkelerde İkamet Etmenin Hükümü

Doi: <https://doi.org/10.69892/Diwan.527>عبدالمطلب بنوری<sup>۱</sup>\* رحمت الله فرقانیار<sup>۲</sup>

## Makale Bilgisi / Article Information

## معلومات مقاله / بيانات المقال

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Research Article

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقیقی / البحثي

Geliş Tarihi / Received Date:

12.02.2024

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

Kabul Tarihi / Accepted Date:

26.04.2024

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır. İntihal tespit edilmemiştir

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین Turnitin بررسی شده  
Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism Detected.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال Turnitin و لم  
يثبت انه من السرقات الادبية

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی.

عبدالمطلب بنوری - رحمت الله فرقانیار، "حکم سکونت در کشورهای غیراسلامی در پرتو شریعت اسلامی"، *مجله دیوان* ۲/۵ (سرطان ۱۴۰۳) ، ۱۱۹-۱۳۶.

## Atıf:

Abdul Mutalib Banari - Rahmatullah Forqanyar, "İslam Şeriatı Işığında Gayri Müslim Ülkelerde İkamet Etmenin Hükümü", *Diwan Dergisi* 5/2 (Temmuz 2024), 119-136.<sup>۱</sup> پوهنمل، عضو کادر علمی دیپارتمنت افتاء و قضاء، ریاست تخصصات، جامعه عبدالله بن مسعود، وزارت تحصیلات عالی.ORCID: 0009-0007-0690-0885, [safwanhaixyz@gmail.com](mailto:safwanhaixyz@gmail.com)<sup>۲</sup> پوهنمل، عضو کادر علمی دیپارتمنت افتاء و قضاء، ریاست تخصصات، جامعه عبدالله بن مسعود، وزارت تحصیلات عالی،ORCID: 0009-0000-1434-3440, [Forqanyar1986@gmail.com](mailto:Forqanyar1986@gmail.com)

## چکیده

**کلمات کلیدی:**  
دار، دار الاسلام، دار  
الحرب، دار الکفر،  
سکونت، هجرت.

اسلام به عنوان کامل ترین و آخرین دین الهی، با داشتن نزدیک به یک و نیم میلیارد پیرو و حدود پنجاه کشور مسلمان در عرصه ارتباط با کشورهای غیر مسلم، دستورات و قواعدی را به مسلمانان ارائه کرده در متون اسلامی موجود است؛ تا مسلمانان بر اساس آنها، به تعامل با سایر ملت ها بپردازند. در این مقاله سعی شده است به یکی از بخش های ارتباط با کشورهای غیر اسلامی، به صورت سکونت در آنها می باشد، از نظر قرآن، سنت و اقوال فقهای کرام بحث و بررسی قرار داده شده است، یافته های تحقیق بیانگر اینست که سکونت در کشورهای غیر اسلامی، نزد فقهای قدیم و علمای معاصر به طور کلی نه ممنوع است و نه مجاز؛ بلکه دارای شرایط و حالات مختلف می باشد. سکونت در کشورهای غیر اسلامی در بعضی اوقات مباح و یا مستحب می باشد و در بعضی اوقات دیگر، بنابر اختلاف شرایط و حالت اقامت کننده، ممنوع و یا مکروه می باشد. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از روش کتابخانه ای انجام یافته است و کوشش بر آن شده است که برای مستندسازی تحقیق، از آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و کتب معتبر فقهی مذاهب اسلامی، در رابطه به تبیین حکم سکونت در کشورهای غیر اسلامی، استفاده صورت گرفته است.

## الملخص

**الكلمات المفتاحية:**  
دار، دارالاسلام،  
دارالحرب، دارالکفر،  
الإقامة، الهجرة.

لقد قدم الإسلام باعتباره الدين الإلهي الأكمل والأخير، الذي يتبعه ما يقرب من مليار ونصف المليار ونحو خمسين دولة إسلامية، تعليمات وقواعد للمسلمين في مجال التواصل مع الدول غير الإسلامية، وهذه القواعد متوفرة في النصوص الإسلامية من القرآن والحديث وأقوال الفقهاء الكرام، حتى يستفيد منه المسلمون في مجال التعامل مع الدول غير الإسلامية، ونتيجة البحث تشير إلى أن الإقامة في بلاد الغير الإسلامية عند الفقهاء القديم والعلماء المعاصر، غير مسموح كاملاً ولامنوع كاملاً، لكن لها حالات وشروط مختلفة، وهو ما يجوز أو يستحب في بعض الأحيان، وفي أحيان أخرى يحرم أو يكره البقاء، بحسب الأحوال واختلاف حالة المقيم. و منهج البحث الوصفي - التحليلي للقضايا الفقهية المتعلقة بالموضوع حيث استخدم الباحث لتوثيق البحث من الآيات القرآنية والأحاديث النبوية والكتب الفقهية الصحيحة للمذاهب الفقهية، فيما يتعلق بشرح حكم الإقامة في البلدان غير الإسلامية.

**Abstract**

Islam, as the ultimate and final divine religion followed by nearly one and a half billion people and encompassing around fifty Islamic countries, provides instructions and rules for Muslims on how to engage with non-Islamic states. These guidelines are available in Islamic texts, including the Quran, Hadith, and the sayings of esteemed jurists, and are intended to help Muslims navigate interactions with non-Islamic countries. The research findings indicate that residing in non-Islamic countries, according to both classical jurists and contemporary scholars, is neither completely permissible nor entirely forbidden. It varies based on different situations and conditions. In some circumstances, it is allowed or recommended, while in others, it is prohibited or discouraged, depending on the individual's specific context. This research adopts a descriptive-analytical methodology to examine the jurisprudential issues related to this topic, using documentation from Quranic verses, Prophetic traditions, and authoritative jurisprudential books from various schools of thought to elucidate the ruling on residing in non-Islamic countries.

**Keywords:**

Dar, Dar al-Islam, Dar al-Harb, Dar al-Kufr, Settlement, Emigration.

**Özet**

İslam, son ilahi din ve kamil olarak, bir buçuk milyara yakın takipçisi ve elliye yakın Müslüman ülkesi ile Müslümanlara, gayrimüslim ülkelerle iletişim kurma konusunda kurallar koymuştur. Müslümanların diğer milletlerle uyum içinde yaşayabilmesi için bu kurallara naslarda yer verilmiştir. Bu makalede Kur'an, Sünnet ve fukahanın görüşleri ışığında Müslüman ferden gayrimüslim ülkelerde ikamet etmesi konusu üzerinde durulmuştur. Çağdaş alimlerin genel olarak yasak ve hala izin vermediği, ancak farklı durum ve koşulların olduğu, bunların bazen caiz veya tavsiye edildiği, bazen de farklı şartlara bağlı olarak kalmanın yasak veya mekruh olduğu görülmektedir. Araştırma, kütüphane yöntemi kullanılarak betimsel-analitik yöntem kullanılarak gerçekleştirilmiş olup, Kur'an-ı Kerim ayetleri, hadisler ve İslam mezheplerinin sahih fıkıh kitaplarından yararlanılarak, gayrimüslim ülkelerde ikamet etmenin hükmü vuzuha kavuşturulmaya çalışılmıştır.

**Anahtar Kelimeler:**

Dar, Darüislam, Darülharb, Darülküfr, Yerleşim, Hicret.

## مقدمه

عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم مقدس ترین دوران زمین بود؛ زیرا در این دوران آخرین پیامبران و رسولان، سیدنا محمد عربی صلی الله علیه و سلم بر روی زمین حضور داشته است. بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نیز در همین دوره رخ داده است، لذا این دوره حق دارد به نام، سید الأودار، سید العهود نامیده شود و بنابر نزول وحی و تعلق انسان با آسمان، تمام مشکلات و مسائل حل می شد.

در عصر کنونی قسمی که دیگر مسائل مختلف پیش آمده است، مسئله دارالاسلام و دارالکفر و همچنان مسائل که با اینها ارتباط دارد، نیز محل بحث صورت گرفته است؛ زیرا که خیلی احکام بر آن استوار می باشد، لذا در مقاله هدا سعی و تلاش صورت گرفته است که معنی و مفهوم هجرت و همچنان دارالاسلام و دارالکفر توضیح داده شود؛ تا اینکه بنابر دانستن آن، بعضی شکوک و شبهات که در ذهن مردم است و یا عده ای مسائلی که با آن وابسته است، از بین برود.

مسئله سفر در کشورهای غیراسلامی به طور موقت و یا برای همیشه و ارتباط مسلمانان با کفار، از جمله مسائل مهمی دینی شمرده می شود که در آیات زیادی از قرآن کریم و احادیث نبوی، به عنوان های مختلفی حکم آن بیان شده است. این مسئله تنها در عصر حاضر مورد بحث فقهاء کرام و علمای عظام نبوده است؛ بلکه در زمان فقه های قدیم نیز مورد بحث بوده است. البته در آن زمان، بنابر کمبود امکانات، خیلی کم از مسلمانان در کشورهای غیراسلامی سکونت داشتند؛ ولی در عصر کنونی بنابر فراهم شدن امکانات، کم شدن فاصله ها میان کشورها و بودن اسباب و وسایل مختلف زیادتر شده است، بیشتر مردم بدون سنجش عواقب خطرناک آن، بدون کدام قید و شرط، به طور همیشه در کشورهای غیراسلامی سکونت اختیار می کنند، لذا بنابر اهمیت این مسئله، لازم دانسته شد که در این مقاله جوانب مختلفی قضیه و عواقب آن بررسی شود، به امید اینکه سبب حل مشکل مسلمانان گردد.

روشن ساختن مسئله برای مسلمانان که در کشورهای غیراسلامی سکونت دارند و یا اراده سفر و تعلیم را می داشته باشند، توضیح و تبیین اقوال فقهاء قدیم و علمای معاصر در رابطه به مسئله و آشکار سازی احکام سکونت و مسائل مرتبط به آن در روشنی به نصوص شرعی، اهداف این مقاله را تشکیل می دهد.

مسئله اهمیت هر تحقیق وابستگی به اهمیت موضوع آن دارد، موضوع سکونت در کشورهای غیراسلامی از جمله موضوعات مهم دینی می باشد، در بعضی اوقات بنابر ندانستن عواقب خطرناک آن، سبب از بین رفتن خیلی از ارزش های دینی می باشد، خصوصاً در صورتی که انسان با اهل و عیال خویش در آنجا سکونت اختیار نماید، لذا لازم دانسته شد که این موضوع در زبان فارسی تحت بررسی قرار داده شود؛ تا اینکه سبب از بین رفتن خلای که در این راستا وجود داشت، رفع گردد.

در رابطه به ارتباط مسلمانان با کفار و سکونت در کشورهای غیراسلامی، تحقیقات زیادی از قبیل تألیفات مستقل و رسائل جامعی در زبان های عربی و اردو، صورت گرفته است که عده ای از آن ها به چاپ رسیده است و عده ای دیگر به صورت مجازی به نشر رسیده است، البته در تمام این تحقیقات موضوعات مختلفی در باره ارتباط مسلمانان با کفار بیان شده است، لذا چندی از آن ها به طور نمونه در ذیل بیان می شود:

۱. عبوره، رفعت عبوره، عبد اللطیف هایل ثابت الحمیری، *أحكام العلاقات بين المسلمين وغير المسلمين في ضوء الكتاب والسنة نماذج مختارة*، مجلة معالم الدعوة الإسلامية المحكمة - العدد (العاشر) شوال ۳۴۱۹ هـ / مارس ۲۰۳۸ م. در این مقاله در باره محبت با کفار، دعا برای کفار، سلام دادن به کفار و یا رد نمودن جواب آن، همچون موضوعات عمومی بیان شده است.
۲. وستانوی، مولانا حدیفه وستانوی، استاذ جامعه اسلامیة اشاعت العلوم، اکل کوا، *دارالاسلام و دارالکفر اور عصر حاضر میں اس کی تطبیق*، ماهنامه دارالعلوم دیوبند، شماره ۱۰-۱۱، جلد ۹۲ ذیقعدہ ۱۴۲۹ هـ مطابق اکتوبر - نومبر ۲۰۰۸ء. در این مقاله که به زبان اردو نوشته شده است، نویسنده سعی نموده است؛ تا معنی دار و اقسام آنرا بیان نماید.
۳. بالاکوتی، افیق احمد بالاکوتی، مغربی ممالک کی شهریت لینی کا حکم، *فتاوی بینات*، جلد سوم، ص ۳۷۲، ط: مکتبه بینات کراچی - پاکستان، طبع اول، سال ۱۴۲۷ هـ ق، ۲۰۰۶ء. در این مقاله که به زبان اردو است، به صورت سؤال و جواب نوشته شده است، در آن در باره حکم گرفتن تابعیت کشورهای مغربی بیان شده است.

۴. الجربوع، عبدالعزيز بن صالح الجربوع، الإعلام بوجوب الهجرة من دار الكفر الى دار الاسلام، بی تا، بی نا، بی جا. در این رساله حکم هجرت از دار الكفر بسوی دار الاسلام، بیان شده است.
۵. النيجيرى، عبدالله ابوبكر احمد النيجيرى، استاذ مساعد كلية الشريعة و القانون بالجامعة الاسلامية العالمية، اسلام آباد-پاکستان، الإقامة في بلاد غير اسلامية و حكمها (دراسة تحليلية فقهية، ط: المجلة الاكاديمية العالمية للشريعة الاسلامية و علومها، ۲۰۲۰/۲/۲) ۵۷/۲۴. در این مقاله در باره اقامه، توطن، حکم اقامت در کشورهای کفری و بعضی مسائل دیگر بحث شده است.
۶. عامر، عماد بن عامر، الهجرة إلى بلاد غير المسلمين: حكمها، ضوابطها وتطبيقاتها، دار ابن حزم، بی جا، بی تا. در این رساله نویسنده حکم هجرت بسوی کشورهای غیراسلامی و ضوابط آنرا بیان نموده است.
- البته غیر از کتب و رسائل متذکره، در سایت‌های مجازی ذیل نیز در رابطه به مسئله در زبان فارسی و عربی بحث صورت گرفته است:
۱. حکم اقامت در بلاد غیر مسلمان، پایگاه جامع دینی و خبری اهل سنت ایران، حکم اقامت در بلاد غیر مسلمان - پایگاه جامع دینی و خبری اهل سنت ایران (avayesunnat.com)
  ۲. الإقامة في غير البلاد الإسلامية، الموسوعة الميسرة، رقم ۹۰، تاريخ النشر: ۰۱/۰۵/۲۰۲۱ الإقامة في غير البلاد الإسلامية - الموسوعة الميسرة (erej.org)
  ۳. الإقامة ببلاد غير المسلمين، المفتى الأستاذ الدكتور شوقى ابراهيم علام، تاريخ الفتوى: ۰۲ يناير ۲۰۱۹م، رقم الفتوى: ۴۷۰۲، الإقامة في بلاد غير المسلمين - الفتاوى - دار الإفتاء المصرية - دار الإفتاء (dar-alifta.org)
  ۴. ما حكم الإقامة في بلاد الكفار؟ محمد بن صالح العثيمين، طريق الإسلام، تاريخ النشر: ۲۰۰۶-۱۲-۰۱، ما حكم الإقامة في بلاد الكفار؟ - محمد بن صالح العثيمين - طريق الإسلام (islamway.net)
  ۵. هل يجوز الإقامة في بلاد الكفر؟ الشيخ محمد ناصر الالباني، هل يجوز الإقامة في بلاد الكفر؟ وهل يجب على الك... - الالباني (al-fatawa.com)
  ۶. حکم سفر المسلم إلى بلاد الكفر للإقامة و السكن فيها، تاريخ النشر: ۱۵/۰۳/۲۰۱۵ حکم سفر المسلم إلى بلاد الكفر للإقامة و السكن فيها - الإسلام سؤال وجواب (islamqa.info)
  ۷. إقامة المسلمين في بلاد غير المسلمين، شبكة الألوكة، مواقع المشايخ و العلماء/ د. أمين بن عبدالله الشقاوى، إقامة المسلمين في بلاد غير المسلمين (alukah.net)
  ۸. شروط الإقامة في بلاد غير المسلمين، الشيخ محمد يوسف القرضاوى، تاريخ النشر: ۲۰۰۹/۱۴/۱۰ شروط الإقامة في بلاد غير المسلمين | موقع الشيخ يوسف القرضاوى (al-qaradawi.net)
- البته تمام این تحقیقات، در زبان عربی و یا اردو صورت گرفته است و در زبان فارسی کدام مقاله و یا کتابی مستقلی (غیر از بحث مختصری در سایت و اسلام‌ماه) در نظر بنده موجود نبوده. لذا خواستیم حکم مسئله در زبان فارسی هم مورد بررسی قرار گیرد؛ تا کمبودی که در این جانب دیده می‌شود رفع گردد.
- حکم سکونت در کشورهای غیراسلامی چیست؟
- در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری معلومات به صورت کتابخانه‌ای استفاده می‌شود و عمدتاً از نصوص اسلامی، و کتاب‌های معتبر فقهی و فتاوی معتبر فقهای قدیم و معاصر، استفاده شده است، و همچنین برای غنای موضوع تحقیق، از سایت‌های اینترنتی و کتابخانه‌های الکترونیکی مانند: المكتبة الشاملة و غیره نیز استفاده صورت گرفته است.

## الف: مفهوم، اقسام و احکام هجرت

## ۱. مفهوم هجرت

۱.۱. معنی لغوی هجرت: هجرت ضد و مقابل وصل است که در لغت بمعنی مفارقت، جدایی، دوری، افتراق، فراق، هجر، ترک وطن، دوری از خانه و مفارقت یاران و دوستان را گویند.<sup>۱</sup>

۱.۲. معنی اصطلاحی هجرت: هجرت را فقهاء کرام تعریف‌های مختلفی نموده‌اند که تمام آن به اعتبار الفاظ متفاوت می‌باشد؛ ولی به اعتبار معنی و مفهوم یکی است، از آن جمله علامه جرجانی رحمه الله در کتاب خویش "التعريفات" هجرت را چنین تعریف نموده‌اند: (الهجرة هي ترك الوطن الذي بين الكفار والانتقال إلى دار الإسلام).<sup>۲</sup> "یعنی هجرت در اصطلاح گفته می‌شود که: وطن کفار را ترک نموده به دارالاسلام منتقل شود".

## ۲. اقسام هجرت

علمای کرام در کتاب‌های خویش هجرت را تقسیم‌های مختلفی نموده‌اند که از همه جامع‌تر تقسیم که علامه بدرالدین عینی رحمه الله بیان نموده است، می‌باشد که ایشان هجرت را در کتاب مشهور خویش "عمدة القاری" شرح صحیح البخاری بر هشت نوع تقسیم نموده است: (ولكن العبرة بعموم اللفظ فيتناول سائر أقسام الهجرة فعدها بعضهم خمسة الأولى إلى أرض الحبشة الثانية من مكة إلى المدينة الثالثة هجرة القبائل إلى الرسول الرابعة هجرة من أسلم من أهل مكة الخامسة هجرة ما نهى الله عنه واستدرك عليه بثلاثة أخرى الأولى الهجرة الثانية إلى أرض الحبشة فإن الصحابة هاجروا إليها مرتين الثانية هجرة من كان مقيماً ببلاد الكفر ولا يقدر على إظهار الدين فإنه يجب عليه أن يهاجر إلى دار الإسلام كما صرح به بعض العلماء الثالثة الهجرة إلى الشام في آخر الزمان عند ظهور الفتن).<sup>۳</sup>

از این عبارت علامه عینی رحمه الله انواع ذیل هجرت فهمیده می‌شود:

- هجرت اول حبشه؛
- هجرت دوم حبشه؛
- هجرت از مکه بسوی مدینه منوره؛
- هجرت قبائل بسوی پیامبر صلی الله علیه و سلم؛
- کسانی که از کفار مکه مسلمان شده بودند بسوی پیامبر صلی الله علیه و سلم هجرت می‌کردند؛
- هجرت معاصی و گناهان؛
- هجرت از دارالکفر بسوی دارالاسلام؛
- هجرت بسوی ملک شام که در قرب قیامت صورت می‌گیرد.

لذا این تقسیم وی (اقسام ظاهری و باطنی هجرت) را در بر می‌گیرد، و انسان که در ظاهر وطن خویش را ترک نماید و یا گناهان ظاهری و باطنی را ترک نماید در هر دو صورت وی را "مهاجر" گفته می‌شود.

## ۳. حکم هجرت

درباره حکم هجرت مفتی رشید احمد رحمه الله در "احسن الفتاوی" چنین نوشته می‌کند که: (در اوایل اسلام هجرت نشانه ایمان بود و بعداً این حیثیت از بین رفت؛ اما الآن هم اگر کدام شخص مسلمان در کشور غیر مسلمان نمی‌تواند از ایمان و ناموس و مال خویش محافظت کرد، در چنین حالتی بر وی هجرت کردن لازم می‌شود و تا زمانی که این مانع باقی است، بازگشت جائز نیست).<sup>۴</sup>

۱. محمد بن ابی بکر بن عبد القادر الرازي، مختار الصحاح (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م، الطبعة الأولى)، ۱۶۷/۲؛ اسماعيل بن حماد الجوهري ابونصر، الصحاح في اللغة (القاهرة: دار الحديث)، ۲۴۳/۲.

۲. علي بن محمد بن علي الجرجاني، التعريفات، تحقيق إبراهيم الأبياري (بيروت: دار الكتاب العربي، الطبعة الأولى، ۱۴۰۵ هـ)، ۳۱۹.

۳. بدر الدين العيني الحنفي، عمدة القاري شرح صحيح البخاري (بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا)، ۲۹/۱.

۴. مفتی رشید احمد، احسن الفتاوی (کراچی: ایچ ایم سعید، بی تا)، ۱۱/۶.

امام بخاری رحمه الله در کتاب خویش "صحیح البخاری" بابی را بنام "باب إقامة المهاجر بمكة بعد قضاء نسكه" قائم نموده در زیر آن، این حدیث را ذکر نموده است: {عن عمر بن عبد العزيز يسأل السائب ابن أخت النمر ما سمعت في سكني مكة قال سمعتُ العلاء بن الحضرمي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ثلاث للمهاجر بعد الصدر}.<sup>۷</sup>  
در شرح این حدیث حافظ ابن حجر رحمه الله چنین نوشته نموده است:

(وقفه هذا الحديث أن الإقامة بمكة كانت حراما على من هاجر منها قبل الفتح لكن أبيح لمن قصدها منهم بحج أو عمرة أن يقيم بعد قضاء نسكه ثلاثة أيام لا يزيد عليها... قال النووي معنى هذا الحديث: أن الذين هاجروا يحرم عليهم استيطان مكة، و حكي عياض أنه قول الجمهور قال وأجازه لهم جماعة يعني بعد الفتح فحملوا هذا القول على الزمن الذي كانت الهجرة المذكورة واجبة فيه قال واتفق الجميع على أن الهجرة قبل الفتح كانت واجبة عليهم وأن سكني المدينة كان واجبا لنصرة النبي صلى الله عليه وسلم ومواساته بالنفس وأما غير المهاجرين فيجوز له سكني أي بلد أراد سواء مكة وغيرها بالاتفاق انتهى كلام القاضي ويستثنى من ذلك من أذن له النبي صلى الله عليه وسلم بالإقامة في غير المدينة).<sup>۸</sup> (یعنی طبق) حدیث متذکره، پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پس از هجرت به خود و یارانش اجازه نداد که به مکه مکرمه به عنوان وطن اصلی خود برگردند، و از سه روز بیشتر در آن سکونت اختیار نمایند؛ تا اینکه هجرت شان باطل نشود. همچنان تعلیم و تربیه که در مدینه منوره جاری شده بود، قطع نگردد، البته بجز کسانی که برای شان اجازه داده شد که غیر از مدینه در دیگر مکان سکونت را اختیار نمایند و همچنان حافظ ابن حجر رحمه الله در ضمن این حدیث عایشه صدیقه رضی الله عنها "فقلت لا هجرة اليوم كان المؤمن يفر أحدهم يدينه إلى الله وإلى رسول الله صلى الله عليه وسلم مخافة أن يفتن عليه فأما اليوم فقد أظهر الله الإسلام فالمؤمن يعبد ربه حيث شاء ولكن جهاد ونية" چنین نوشته می کند:

(أشارت عائشة إلى بيان مشروعية الهجرة وأن سببها خوف الفتنة، والحكم يدور مع علته فمقتضاه: أن من قدر على عبادة الله في أي موضع اتفق لم تجب عليه الهجرة منه وإلا وجبت، ومن ثم قال الماوردي: إذا قدر على إظهار الدين في بلد من بلاد الكفر فقد صارت البلد به دار إسلام فالإقامة فيها أفضل من الرحلة منها لما يترجى من دخول غيره في الإسلام).<sup>۹</sup>

(یعنی طبق) بیان حافظ ابن حجر رحمه الله، حکم هجرت مبنی بر فتنه و فساد است، لذا در هر مقامی که انسان بدون کدام مزاحمت، فتنه و فساد به آسانی بر دین خویش عمل کرده بتواند، برایش سکونت و اقامت در آن موقع جائز است البته در کدام مواقع و کشورهای که در آن انسان به آسانی به دین خویش عمل کرده نمی تواند و یا سکونت آن سبب (از بین رفتن تربیه و اخلاق اسلامی شود) از چنین کشور و موقع هجرت کردن برای حفاظت دین، بر وی لازمی می باشد.

## ب: دار و اقسام آن

در ضمن این مبحث در ارتباط دار الاسلام و دار الکفر بحث صورت گرفته است. لذا لازم است که از همه اول معنی "دار" را بشناسیم تا اینکه بنابر آن، شناخت حکم آن آسانتر شود، لذا در ذیل اولا معنی لغوی و اصطلاحی "دار" بیان می شود و سپس احکام مربوطه آن:

### ۱. معنی لغوی و اصطلاحی "دار"

"دار" در لغت بمعنی خانه، دیوان، اداره، شهر، قبیله را گویند.<sup>۱۰</sup>  
و در اصطلاح، طبق تصریح و اشارات فقهاء کرام،<sup>۱۱</sup> برای "دار" سه شرط بیان شده است: الف: اقلیم یعنی به اعتبار جغرافیا محدود باشد ب: سکان یعنی مردم در آنجا سکونت داشته باشد ج: سلطنت یعنی قیادت که در آن مقام قائم باشد.<sup>۱۲</sup>

<sup>۷</sup> أبو عبدالله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، المحقق. محمد زهير بن ناصر الناصر، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه (بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ ق)، "مناقب الانصار"، ۴۷ (۳۹۳۳).

<sup>۸</sup> شهاب الدين ابن حجر العسقلاني، فتح الباري فتح الباري شرح صحيح البخاري (بيروت: دار المعرفة، الطبعة الثانية)، ۲۶۷/۷.  
<sup>۹</sup> ابن حجر، فتح الباري، ۶۳۵/۷.

<sup>۱۰</sup> أحمد بن محمد بن علي المقرئ الفيومي، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، كتاب الدال، ماده (بيروت: دار المكتبة العلمية، بی تا)، ۲۰۲/۱.

<sup>۱۱</sup> عماد بن عامر، الهجرة إلى بلاد غير المسلمين حكمها، ضوابطها وتطبيقاتها (بيروت: دار ابن حزم، بی تا)، ۷۹.

<sup>۱۲</sup> عبدالعزيز صالح الجربوع، الاعلام بوجوب الهجرة من دار الكفر الى دار الاسلام (بی جا: المكتبة الشاملة الذهبية، بی تا)، ۶۰.

قسمی که ابن عابدین رحمه الله در باره "دار" چنین می گوید: (قوله: (دار غیره) المراد بالدار: الاقليم المختص بقهر مَلِكِ إسلام أو کفر).<sup>۱۳</sup>

در کتاب (الإعلام بوجوب الهجرة من دار الكفر إلى دار الإسلام) درباره "دار" در عصر کنونی چنین نوشته است: (وفي الوقت الحاضر، والعرف السائد، "الدار" هي الدولة: وهي مجموعة الإيالات (السياسات) تجتمع لتحقيق السيادة على أقاليم معينة لها حدودها، ومستوطنوها، فيكون الحاكم، أو الخليفة، أو أمير المؤمنين، على رأس هذه السلطات. وهذا هو المقصود باستعمال مصطلح "دولة" عند من استعمله من فقهاء السياسة الشرعية... ونتيجة لذلك يمكن القول أن الدولة تقوم على ثلاثة أركان: الدار، والرعية، والمنعة).<sup>۱۴</sup>

(یعنی در عصر) کنونی و عرف رائج، مراد از "دار" دولت را گفته می شود که مراد از آن: مجموعه ای از حکومت های سیاسی است که برای رهبری کردن بر اقلیم خاصی که حدود و سگان آن معین باشد، جمع می شوند، و حاکم، خلیفه و یا امیر المؤمنین بر رأس این اقتدار می باشد، و در صورت استعمال لفظ "دولت" در نزد فقهاء سیاست شرعی همین هدف متذکره مراد می باشد، و طبق این قول چنین گفتن درست است که: دولت بر سه ارکان استوار است: دار، رعیت و نیرو".

## ۲. اقسام دار

بعد از شناختن معنی و مفهوم "دار" لازم است که اقسام دار نیز دانسته شود؛ تا اینکه طبق آن بعدا معرفت احکامش آسانتر شود، لذا فقهاء کرام "دار" را تقسیمات مختلفی نموده اند که از آن جمله تقسیم ذیل که با عصر حاضر زیادتیر موزون است که قرار ذیل می باشد:

"دار" بر دو قسم است:

۱) دارالاسلام

۲) دارالکفر

باز دارالاسلام نیز بر دو قسم است:

۱) دار الاسلام حقیقی

۲) دار الاسلام حکمی

۱.۲. **تعریف دارالاسلام حقیقی:** دارالاسلام حقیقی آن ملکی را گفته می شود که به اعتبار قانون، احکامات اسلام در آن نافذ باشد و قائدين و حکام آن نیز مسلمان باشند، علامه ابن قیم رحمه الله در این رابطه چنین می گوید: (دار الإسلام هي التي نزلها المسلمون وجرت عليها أحكام الإسلام وما لم تجر عليه أحكام الإسلام لم يكن دار إسلام).<sup>۱۵</sup> علامه سرخسی رحمه الله درباره "دار الاسلام" چنین نوشته می کند: (تعتبر الدار دارالاسلام بظهور احكام الاسلام فيها وإن كان جل أهلها من الكفار).<sup>۱۶</sup> یعنی مدار "دار الاسلام" به اعتبار ظهور احکام اسلامی است اگرچند تعداد زیادی از باشندگان آن، کفار باشند.

۲.۲. **تعریف دارالاسلام حکمی:** آن ملکی را گفته می شود که در آن برای مسلمانان اجازه باشد که بر بعضی شعائر خویش عمل نمایند مانند: نماز، اذان، جمعه، و غیره. اگرچند در آن قانون نافذ، خود ساخته انسان باشد و دستورات الهی نباشد، البته قائدين و

<sup>۱۳</sup>. ابن عابدین، رد المحتار على الدر المختار، ۱۶۶/۴.

<sup>۱۴</sup>. الجربوع، الاعلام بوجوب الهجرة من دار الكفر الى دار الاسلام، ۶.

<sup>۱۵</sup>. محمد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية ۷۵۱ هـ، تحقيق. طه عبد الرؤوف سعد، أحكام أهل الذمة (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۳ هـ ش - ۲۰۰۲ م، الطبعة الثانية)، ۴۱۷/۱.

<sup>۱۶</sup>. شمس الدين أبو بكر محمد بن أبي سهل السرخسي، تحقيق. خليل محي الدين الميس، المبسوط (بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۱ هـ ش - ۲۰۰۰ م، الطبعة الأولى)، ۱۴۴/۱۰.

رهبران و افراد دولتی آن، مسلمان باشند که در حقیقت اکثر کشورهای اسلامی در عصر کنونی چنین است. علامه ابن عابدین رحمه الله چنین می گوید: و ظاهره أنه لو أُجريت أحكام المسلمين، وأحكام أهل الشرك لا تكون دار حرب.<sup>۱۷</sup>

یعنی چنین دار، اگرچند دار الحرب گفته نمی شود؛ ولی بنابر اینکه در ضمن احکامات اسلامی، بعضی قوانین کفری نیز جریان دارد، پس دار الاسلام حقیقی نیز گفته نمی شود.

صاحب نیل الاوطار چنین می گوید: (وقد ذهب جعفر بن مبشر وبعض الهادوية إلى وجوب الهجرة عن دار الفسق قياساً على دار الكفر وهو قياس مع الفارق والحق: عدم وجوبها من دار الفسق؛ لأنها دار إسلام وإلحاق دار الإسلام بدار الكفر بمجرد وقوع المعاصي فيها على وجه الظهور ليس بمناسب لعلم الرواية ولا لعلم لدراية)<sup>۱۸</sup>.

یعنی طبق روایت و درایت، داری که در آن فتنه و فساد آشکار باشد ولی حکام آن مسلمان باشند باز هم در ضمن دار الكفر داخل نمی شود.

حالا در ذیل یک سوالی که بر تعریف بالا وارد می شود، لذا اول سؤال و بعداً جواب آن بیان می شود و سپس ادامه مطالب قبلی می باشد:

**سوال:** کشورهای که در آن ها قانون اسلامی نافذ نباشد پس چرا به آن ها "دار الاسلام" گفته می شود؟

**جواب:** در این حرج است، اگر چنین کشورها را دار الاسلام گفته نشود با وجود اغلیت مسلمانان، این خرابی لازم می آید که کفار به آسانی بر این نوع ممالک قابض شده می تواند؛ زیرا که بنابر "دار الكفر" بودن اگر کفار بر آن ها حمله نمایند دفاع لازمی نمی باشد، لذا از این طریق، به آسانی آهسته آهسته مسلمانان را از بین می برند. البته این نوع ممالک را "دارالاسلام الفاسقه" و یا "دارالفسق" گفته شود، حرجی در آن نیست.

و همین مطلب بالا را علامه یوسف قرضاوی رحمه الله در این عبارت ذیل چنین بیان نموده است: (لواعترنا هذه اللدیار من دارالكفر او الحرب فهذا یعنی ان المسلمین علی کثرتهم سیغدون من غیر اوطان ولا دیار وفی هذا تمکین لاعداء الله منا إضافة الی انه لا یجب علی المسلمین الدفاع عنها فی حال الاعتداء علیها من الکفار).<sup>۱۹</sup>

دارالكفر بر سه نوع است:

(۱) دارالكفر حقیقی؛

(۲) دارالكفر حکمی؛

(۳) دارالحرب.

**۳.۲. تعریف دارالكفر حقیقی:** آن ممالکی را گفته می شود که زمام دار آن کافر و همچنان دستور و قانون اساسی آن نیز از آن ها باشد و برای مسلمانان حق انجام دادن شعائر اسلام در آن قطعاً اجازه نباشد و حکومت در پی هلاک ساختن مسلمانان باشد. (وهی التي قصدها الفقهاء فی تعریفهم لدار الكفر وهی التي تظهر فیها احکام الكفر و یحکمها الکفار و انعدمت فیها مظاهر الدین تماماً بحيث لم یعد لها وجود متمیز و لا یوجد فیها مسلمون یؤدون واجباتهم الدینیة).<sup>۲۰</sup>

**۴.۲. تعریف دار الكفر حکمی:** آن ممالکی را گفته می شود که در آن سلطنت و حکومت از کفار باشد و دستور هم از آن ها باشند البته در ضمن آن، برای مسلمانان نیز اجازه نباشد که شعائر دین خویش را در آن اظهار نمایند، لذا چنین ممالک را "دارالعهد" نیز گفته می شود، قسمی که در ابتداء اسلام، مسلمان بسوی ملک حبشه هجرت کرده بودند و در آن برای شان اجازه اقامه شعائر دین و

<sup>۱۷</sup> ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۱۷۵/۴؛ علاء الدین ابی بکر بن مسعود الکاسانی الحنفی الملقب بملك العلماء المتوفی سنة ۵۸۷ هـ، بدائع

الصنائع فی ترتیب الشرائع (کوئته: المكتبة الحیبیة کانسی رود، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۹ م)، ۱۳۱/۷.

<sup>۱۸</sup> محمد بن علی بن محمد الشوکانی المتوفی سنة ۱۲۵۵ هـ - ۱۹۷۳ م، نیل الاوطار من أحادیث سید الاخیار شرح منتهی الاخبار (بیروت: دارالجلیل)، ۳۳۱/۱۴.

<sup>۱۹</sup> یوسف عبدالله القرضاوی، فقه الاقلیات (مصر: دارالشروق، بی تا)، ۹۷.

<sup>۲۰</sup> تقسیم العالم: برگرفته شده از: ماه نامه دارالعلوم دیوبند (بی جا: ۱۴۲۹ هـ / ۲۰۰۸ م)، ۲۵/۹۲؛ الاعلام بوجوب الهجرة من دار الكفر الی دار الاسلام، ۶.

دیگر امور مربوطه حاصل بود. (والعلة في الذهاب إلى الحبشة أن هناك ملكاً لا يظلم عنده أحد. وكان العدل في ذاته وساماً لذلك الملك وسماها المؤمنون دار أمن، وإن لم تكن دار إيمان).<sup>۲۱</sup>

۵.۲. **تعریف دارالحرب:** آن ملکی را گفته می شود که با مسلمانان فعلاً بر حالت جنگ باشد و همچنان در پی از بین بردن مال، عزت و آبروی مسلمانان باشند و در آن، دعوت اسلام نیز ممنوع باشد چنین ملک را دارالحرب، دارالکفر، دارالمخالفین نیز گفته می شود. مفتی اعظم هند، مفتی کفایت الله دهلوی رحمه الله در باره دار الحرب چنین نوشته می کنند: (دار الحرب کشوری را گفته می شود که: در آن حکومت مستقلی از کفار باشد که طبق خواست خویش، بر صادر نمودن قانون قادر باشند).<sup>۲۲</sup>

**وضاحت:** البته در این موقع این وضاحت درکار است که: این تقسیم بالا در باره دار الاسلام و دار الکفر، منصوصی نیست بلکه مجتهد فیه است که در آن اختلاف گنجایش دارد، و بعضی فقهاء متقدمین بر تقسیم ثنائی قائل اند، و امام شافعی رحمه الله بر ثلاثی قائل است که در نزد شان دار بر سه قسم است: ۱: دارالاسلام ۲: دارالکفر ۳: دارالعهد و یا دارالصلح.<sup>۲۳</sup> لذا هر یکی از فقهاء و علمای کرام طبق ذوق خویش در روشنایی نصوص، دار را تقسیم های گوناگونی بیان نموده اند.

### ج: حکم سفر به کشورهای غیراسلامی:

در عصر کنونی تعداد زیادی از مسلمانان در کشورهای غیراسلامی زندگی می کنند، تناسب این خیلی ها زیاد است در هندوستان طبق عدد و شمار تقریباً (۱۰ میلیون) است و همچنان در چین (۵ میلیون) و روس و دیگر کشورها نیز تعداد زیادی از مسلمانان زندگی دارند، لذا برای چنین مسلمانان از همه اول، سؤال پیدا می شود که آیا سکونت در چنین کشورهای غیراسلامی شرعاً درست است و یا خیر؟ این مسئله خیلی مهم است که در زمان ائمه اربعه قدیم نیز موجود بود و در عصر کنونی نیز خیلی محل بحث قرار گرفته است؛ زیرا که بنابر سکونت در چنین کشورها، بر دین و دنیایی مسلمان تأثیرات منفی خواهد آمد و همچنان مشابهت در خیلی موارد با کفار صورت می گیرد، لذا بنابر ارتباط این مسئله، با دین و دنیای مسلمان، خیلی مهم است، خصوصاً انسان که با فامیل خویش در آنجا سکونت اختیار نماید که تنها مشکل بر خود وی بر نمی گردد بلکه برای تربیت اولاد و فامیل نیز نقش مهم را دارد، لذا حکم این مسئله بنابر مختلف بودن نیاز و ضرورت انسان و همچنان نیت و اراده شخص، نیز مختلف می باشد لذا مختصراً در ذیل صورتهای مختلف آن بنابر مختلف بودن نیت و اراده سکونت کننده، بیان می شود، اولاً اقوال فقهای قدیم و در تعقیب آن اقوال علمای معاصر بیان خواهد شد:

۱. یک شخص به این نیت در کشور غیراسلامی سکونت اختیار نماید؛ تا مدتی که در آنجا است، در فکر اصلاح خویش باشد و همچنان غیر مسلمانان را به اسلام دعوت بدهد و به نیت دعوت و تبلیغ در آنجا سکونت نماید، لذا این کار وی، تنها جائز نیست؛ بلکه باعث اجر و ثواب است. قسمی که در حدیث مبارکه در ارتباط رساندن دین و دعوت و تبلیغ چنین ذکر شده است: (عن عبدالله بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بلغوا عني ولو آية).<sup>۲۴</sup>

۲. یک شخص در مشکل اقتصادی قرار دارد و بنابر سعی و تلاش زیادی در کشورش، اسباب و وسایل کسب معاش برایش میسر نمی شود، لذا در این صورت اگر وی در کشورهای غیراسلامی برای خویش اسباب و وسائل کسب معاش حلال و جائز را پیدا نماید پس برایش بنابر همین مشکل، سکونت در کشورهای غیراسلامی جائز است؛ البته به این شرط که بر دین خویش عمل نماید و بنابر سکونت در آن کشور، کدام مفسده و مشکل بر دینش وارد نشود.

<sup>۲۱</sup>. زین الدین بن ابراهیم بن محمد الشهير بابن نجيم الحنفی، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، تحقيق. احمد عزو عناية الدمشقي (بی جا: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م)، ۵۵۷/۸.

<sup>۲۲</sup>. محمد بن علی بن محمد بن عبدالرحمن الحنفی الحصکفی، الدر المختار شرح تنویر الابصار مع رد المحتار (بیروت: دارالکفر، ۱۴۱۲ هـ، الطبعة الثانية)، ۱۷۴/۴.

<sup>۲۳</sup>. أبو زکریا یحیی بن شرف النووی الدمشقی، روضة الطالبین، تحقيق. الشیخ عادل، أحمد عبد الموجود الشیخ علی محمد معرض (بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا)، ۴۳۲/۵.

<sup>۲۴</sup>. أبو عیسی محمد بن عیسی الترمذی السلمي، سنن الترمذی، تحقيق. أحمد محمد شاکر وآخرون (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا)، "علم"، ۱۳، (۲۶۶۹).

الله متعال در باره سعی و تلاش در باره کسب و معیشت چنین ارشاد می‌فرماید: هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ.<sup>۲۵</sup> ترجمه: او ذاتی است که زمین را برایتان مسخر گردانیده است پس در اطراف آن بروید و از روزی الله بخورید و بازگشت (زنده شدن دوباره) در دست اوست.<sup>۲۶</sup>

علامه قرطبی رحمه الله در ضمن این آیت مبارکه چنین نوشته نموده است: {فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا} هو أمر بإباحة، وفيه إظهار الأمتنان. وقيل: هو خبر بلفظ الأمر؛ أي لكي تمشوا في أطرافها ونواحيها وآكامها وجبالها.<sup>۲۷</sup>

یعنی این "امر" که در آیت مبارکه ذکر شده است، برای اباحت می‌باشد، و در آن اظهار نمودن احسان الله متعال است، و بعضی گفته اند: این صیغه برای خبر است که با لفظ "امر" ذکر شده است؛ یعنی تا اینکه در گوشه و کنار، و بر تپه و بلندی آن بروید.

۳. شخصی که برایش در کشورش اینقدر اسباب و وسائل معاش و کسب میسر باشد که بر مبنای آن، زندگی خود را پیشبرده بتواند، البته برای یافتن زندگی خوبتر و بهتر و اسباب و وسائل بیشتر، در کشورهای غیراسلامی سکونت اختیار نماید، این صورت از کراهت خالی نیست؛ زیرا که بدون نیاز دینی و دنیوی، ترجیح دادن کشورهای غیراسلامی، بر کشور اسلامی شرعاً مناسب نیست خصوصاً که خطر مفسده اخلاقی نیز باشد و بنابر سکونت، تأثیر بیشتر بر اخلاق وی وارد شود.

در حدیث مبارکه درباره کسانی که در بین مشرکین و کفار سکونت دارند، چنین ارشاد شده است: {أنا بريء من كل مسلم يقیم بین أظهر المشرکین قالوا یا رسول الله ولم ؟ قال لا ترایا ناراهما!}<sup>۲۸</sup>

(یعنی من بیزار هستم از هر آن مسلمانی که در بین مشرکین سکونت داشته باشد، صحابه کرام فرمودند: چرا ای رسول خدا (صلی الله علیه و سلم)؟ فرمود: چنانکه آتش یکدیگر را نینند). از حدیث مبارکه چنین معلوم می‌شود که سکونت بدون نیاز و ضرورت در بین کفار و مشرکین، سبب بیزاری پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می‌گردد، و تا این حد تاکید شده است که آتش مسلمان به کافر و یا از کافر به مسلمان معلوم نشود. در شرح این حدیث، علامه مبارکفوری رحمه الله چنین نوشته اند: (لا ترایا ناراهما... أي یلزم المسلم یجب أن یتباعد منزله عن منزل المشرك ولا یزول بالموضع الذي إن أوقدت فيه ناره تلوح وتظهر للشرك إذا أوقدها في منزله ولكنه یزول مع المسلمین هو حث علی الهجرة).<sup>۲۹</sup> یعنی بر مسلمان واجب است که خانه‌اش، از خانه و مسکن مشرک و کفار دورتر باشد، در جای سکونت نکند که اگر در آن جای، در خانه خویش آتشی را روشن نماید، برای مشرک و کفار آشکار گردد؛ بلکه وی با مسلمانان سکونت نماید و در این حدیث، ترغیب بر هجرت کردن است.

در تشریح حدیث متذکره، صاحب عون المعبود چنین نوشته اند:

(وقال الخطابي: في معناه ثلاثة وجوه: قيل معناه لا یستوي حکهما، وقيل معناه أن الله فرق بین داری الإسلام والكفر فلا یجوز لمسلم أن یساکن الکفار في بلادهم حتی إذا أوقدوا نارا کان منهم بحیث یراها. وقيل معناه لا یتسم المسلم بسمة المشرك ولا یتشبه به في هدیة وشکله).<sup>۳۰</sup>

یعنی امام خطابی رحمه الله در باره مفهوم این حدیث سه توجیهاات را بیان نموده‌اند: اول: حکم مسلمان و مشرک برابر نیست، دوم: الله بین دار الاسلام و دار الکفر فرق نموده است. پس برای هیچ مسلمان جائز نیست که در کشور کفار سکونت نماید؛ تا اینکه ایشان آتشی را روشن نماید و این مسلمان هم اگر آنها ببیند از آنها شمرده می‌شود، سوم: مسلمان باید نشان و علامه کفار را اختیار نکند و همچنان در رفتار، شکل و صورت، نیز با ایشان مشابهت نکند.

۴. برای اختیار نمودن تابعیت کشورهای غیراسلامی، در آنجا برود و این عمل خویش را سبب فخر بداند و کشورهای غیراسلامی را بر کشور اسلامی ترجیح بدهد و بعد از رفتن در آنجا، اخلاق و عادت آنها را اختیار نماید، لذا بنابر این دواعی و خواهشات،

۲۵. الملک ۱۵/۶۷.

۲۶. ترجمه قرآن کریم فارسی، محمد انور البدخشانی (عربستان: مجمع ملک فهد، چاپ اول ۱۳۹۷ ه. ش)، ۵۶۳.

۲۷. أبو عبدالله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي، الجامع لأحكام القرآن، المحقق. هشام سمير البخاري (الرياض: دار عالم الكتب، ۱۴۲۳ ه. ش / ۲۰۰۳ م) ۲۱۵/۱۸.

۲۸. الترمذي، "سير"، ۴۲ (۱۶۰۴).

۲۹. أبو العلا محمد عبد الرحمن ابن عبد الرحيم المبارکفوري، تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی (بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا)، ۲۱۸/۱۰.

۳۰. أبو الطيب محمد شمس الحق العظيم آبادي، عون المعبود شرح سنن أبي داود للعلامة (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ ه. ش)، ۱۹۹۵ م، الطبعة الثانية، ۲۴۵/۷، (۲۶۴۲).

سکونت در کشورهای غیراسلامی شرعاً جائز نیست و در حدیث مبارکه در رابطه به کسانی که بدون ضرورت و نیاز شرعی، در بین کفار سکونت دارند، چنین ارشاد شده است: [من جامع المشرك وسكن معه فإنه مثله... (المشرك): بالله والمراد الكفار، ونص على المشرك لأنه الأغلب حينئذ والمعنى من اجتماع مع المشرك ووافقته ورافقه ومشى معه].<sup>۳۱</sup> طبق این روایت، تمام کسانی که با کفار و مشرکین یکجا زندگی دارند و با ایشان موافقت و رفاقت را اختیار می کنند در گناه و معصیت داخل اند و در بعضی روایات چنین ذکر شده است که: مسلمانی که بعد از اسلام آوردن در بین کفار بدون ضرورت شرعی زندگی می کند، وی از امان و سلامت اسلام بیرون است، و اگر در این حالت کشته شود، خون وی مضمون نیست، قسمی که علامه جصاص رحمه الله در تفسیر خویش چنین نقل نموده است: (من أقام مع المشركين فقد برئت منه الذمة أو قال لا ذمة له قال ابن عائشة هو الرجل يسلم فيقيم معهم فيغزون فإن أصيب فلا دية له لقوله صلى الله عليه و سلم - فقد برئت منه الذمة. وقوله: أنا بريء منه، يدل على أن لا قيمة لدمه كأهل الحرب الذين لا ذمة لهم).<sup>۳۲</sup>

۵. یک شخص چنین است که در کشور اسلامی بدون اینکه کدام جرمی را ارتکاب شده باشد، باز هم وی مجازات شود و یا خطر جان و مالش باشد و بدون رفتن در کشورهای غیراسلامی، هیچ راه نجات برایش موجود نباشد، پس شرعاً در این صورت، سکونت اختیار کردن در کشورهای غیراسلامی شرعاً جائز است البته بر دین و اخلاقیات کلام مفسده واقع نشود؛ زیرا که از جمله ضروریات پنجگانه، یکی حفاظت نفس و دین می باشد، لذا در جای که در آن حفاظت جان نباشد پس انسان در جایی برود که در آن، هم حفاظت جان باشد و هم حفاظت دین، قسمی که علامه شاطبی رحمه الله در کتاب خویش در این ارتباط چنین نوشته اند: (و مجموع الضروریات خمسة: و هي: حفظ الدين، و النفس، و النسل، و المال، و العقل، و قد قالوا: إنها مراعاة في كل ملة).<sup>۳۳</sup>

۶. برای علاج و معالجه، اگر کشور خویش اسباب و وسائل علاج ممکن نباشد پس برایش رفتن بنا بر ضرورت، جائز است،<sup>۳۴</sup> برای تعلیم برود؛ لذا در صورتی که رفتن حرام و یا مکروه بود، برای تعلیم هم رفتن حرام و مکروه است و در صورتی که جائز بود، در آن صورت برای تعلیم رفتن نیز جائز است؛ البته با همان شرایطی که قبلاً ذکر شد؛ ولی با وجود این، اگر امکان فراگرفتن تعلیم دینی و دنیوی در کشور خویش میسر باشد پس باید در ماحول کفار رفته تعلیم حاصل کرده نشود.<sup>۳۵</sup>

و حالا به طور مختصر چند اقوال از علمای معاصر در باره سکونت در کشورهای غیراسلامی در ذیل بیان می شود:

در سایت فتوی و خیر (واه اسلامه) پایگاه اهل سنت ایران، در ارتباط سکونت در کشورهای غیراسلامی در جواب یکی از برادران به طور خلاصه چنین بیان نموده است:

۱) سفر و اقامت در کشورهای غیر مسلمان اگر از روی ناچاری باشد در صورتی که با حفظ دین باشد بدون اشکال شرعی است.

۲) سفر و اقامت در بلاد کفار اگر خطری برای دین داشته باشد شرعاً ناجائز است.

۳) مسلمانان مقیم در بلاد کفار که گرفتار معصیت و فساد گشته اند مرتکب حرام شده و شامل آیه بالا قرار گرفته و جزء ظالمان به حساب می آیند.<sup>۳۶</sup>

در سایت دارالافتاء المصرية تحت عنوان: الإقامة ببلاد غير المسلمين، مفتی شوقی ابراهیم علام چنین نوشته است: (المقصود ببلاد غير المسلمين: الأقطار التي يكون معظم أهلها وساكنتها من غير المسلمين، بحيث يكون التدبير والحكم لهم في الأساس. والإقامة في بلاد غير المسلمين، تارة تكون جائزة، وتارة تكون مستحبة، وتارة تكون محرمة، وذلك بحسب حال المقيم، وغرض إقامته، ومدى قدرته على إظهار دينه.

فالإقامة في هذه البلاد لا بد فيها من شرطين أساسيين:

۱) أمن المقيم على دينه ونفسه وعرضه، فإن لم يأمن على ذلك: حرم عليه الإقامة هناك، والأمن على الدين معناه الأمن من أن يكره على الكفر أو فعل المحرمات القطعية.

۳۱. سنن أبي داود، "جهاد"، ۱۸۲ (۲۷۸۷).

۳۲. أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر، أحكام القرآن، تحقيق. محمد الصادق قمحاوي (بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا)، ۲۱۷/۳.

۳۳. ابواسحاق ابراهیم بن موسی بم محمد الشاطبی، سلمان الموافقات، تحقيق. أبو عبيدة مشهور بن حسن آل (المملكة العربية: دار ابن عثان، بی تا)، ۲۰/۲.

۳۴. فتاوی بینات، كتاب الحقوق والمعاشرة، تحقيق. مكتبة بينات (كراچی: جامعة العلوم الإسلامية، بی تا)، ۳۷۸/۳.

۳۵. فتاوی بینات، مكتبة بينات، ۳۷۸/۳.

۳۶. وا اسلامه، حكم اقامت در بلاد غير مسلمان، پایگاه جامع دینی و خبری اهل سنت ایران (avayesunnat.com). تاریخ استفاده: ۱۳۹۸-۰۹-۰۲.

۲) أن يتمكن من أن يقوم بشعائر الإسلام بدون ممانع؛ وهي الواجبات الشرعية التي لا خلاف عليها؛ كالصلاة. فإن تخلف أحد هذين الشرطين حرمت الإقامة حينئذ ما دام قادراً على المفارقة<sup>۳۷</sup>. یعنی اقامت و سکونت در کشورهای غیراسلامی حالات مختلفی را دارد که: در بعضی اوقات جائز و در بعضی اوقات مستحب و در اوقات دیگر ناجائز می باشد، لذا برای سکونت در کشورهای غیراسلامی دو شرط ذیل لازمی است:

۱. بر دین خویش مطمئن باشد، لذا اگر خوف ضیاع دین باشد پس در آنصورت اقامت مکروه است؛
۲. شعائر و مسئولیت های دینی خویش را بدون کدام ممانعت انجام داده بتواند.

شیخ محمد بن صالح العثیمین در سایت طریق الإسلام در باره این مسئله، توضیح و تفصیل بیشتری را ذکر نموده اند: (الإقامة في بلاد الكفر خطر عظیم على دين المسلم، وأخلاقه، وسلوكه، وآدابه... وبعضهم رجع مرتداً عن دينه وكافراً به... فالإقامة في بلاد الكفر لابد فيها من شرطين أساسيين: الشرط الأول: أمن المقيم على دينه بحيث يكون عنده من العلم والإيمان وقوة العزيمة ما يطمئنه على الثبات على دينه والحذر من الانحراف والزيغ وأن يكون مضماً لعداوة الكافرين وبغضهم مبتعداً عن موالاتهم ومحبتهم... الشرط الثاني: أن يتمكن من إظهار دينه بحيث يقوم بشعائر الإسلام بدون ممانع، فلا يُمنع من إقامة الصلاة والجمعة والجماعات. وبعد تمام هذين الشرطين الأساسيين تنقسم الإقامة في دار الكفر إلى أقسام: القسم الأول: أن يقيم للدعوة إلى الإسلام والترغيب فيه فهذا نوع من الجهاد فهي فرض كفاية على من قدر عليها... القسم الثاني: أن يقيم لدراسة أحوال الكافرين والتعرف على ما هم عليه من فساد العقيدة، وطلان التعبد، وانحلال الأخلاق، وفوضوية السلوك ليحذر الناس من الاغترار بهم ويبين للمعجبين بهم حقيقة حالهم، وهذه الإقامة نوع من الجهاد أيضاً لما يترتب عليها من التحذير من الكفر وأهله... القسم الثالث: أن يقيم لحاجة الدولة المسلمة وتنظيم علاقاتها مع دولة الكفر كموظفي السفارات فحكمها حكم ما أقام من أجله... القسم الرابع: أن يقيم لحاجة خاصة مباحة كالتجارة والعلاج فتباح الإقامة بقدر الحاجة، وقد نص أهل العلم رحمهم الله على جواز دخول بلاد الكفر للتجارة وأثروا ذلك عن بعض الصحابة رضي الله عنهم. القسم الخامس: أن يقيم للدراسة وهي من جنس ما قبلها إقامة لحاجة لكنها أخطر منها وأشد فتكاً بدين المقيم وأخلاقه، فإن الطالب يشعر بدنو مرتبته وعلو مرتبة معلميه، فيحصل من ذلك تعظيمهم والافتتاع بأرائهم وأفكارهم وسلوكهم فيقلدهم إلا من شاء الله عصمته وهم قليل، ثم إن الطالب يشعر بحاجته إلى معلمه فيؤدي ذلك إلى التودد إليه ومداهنته فيما هو عليه من الانحراف والضلال. والطالب في مقر تعلمه له زملاء يتخذ منهم أصدقاء يحبهم ويتولاهم ويكتسب منهم، ومن أجل خطر هذا القسم وجب التحفظ فيه أكثر مما قبله فيشترط فيه بالإضافة إلى الشرطين الأساسيين شروط:

- الف. أن يكون الطالب على مستوى كبير من النضوج العقلي الذي يميزه بين النافع والضار وينظر به إلى المستقبل البعيد....
  - ب. أن يكون عند الطالب من علم الشريعة ما يتمكن به من التمييز بين الحق والباطل، ومقارعة الباطل بالحق لئلا ينخدع بما هم عليه من الباطل فيظنه حقاً أو يلتبس عليه أو يعجز عن دفعه فيبقى حيران أو يتبع الباطل....
  - ج. أن يقيم للسكن وهذا أخطر مما قبله وأعظم لما يترتب عليه من المفاسد بالاختلاط التام بأهل الكفر وشعوره بأنه مواطن ملتزم بما تقتضيه الوطنية من مودة، وموالات، وتكثير لسواد الكفار).<sup>۳۸</sup>
- از عبارت بالا مطالب ذیل به طور خلاص فهمیده می شود که:

(سکونت در کشورهای کفری، خطر بزرگی بر دین، اخلاق، رفتار و آداب مسلمان وارد می کند، و عده از ایشان (العیاذ بالله) مرتده شده برمی گردند، پس برای اقامت در کشور کفری دو شرط اساسی دارد:

الف. شخص مقيم اينقدر علم داشته و ايمان قوى باشد که بنابر آن دین خویش را حفاظت کرده بتواند، و از گمراهی و دشمنی کفار در امن باشد.

ب. اینست که: بدون کدام ممانعت شعائر دین خویش را آشکار کرده بتواند و از خواندن نماز و دیگر امور دینی ممنوع نباشد. و بعد از تمام شدن این دو شرط اساسی، سکونت در کشورهای کفری دارای انواع مختلفی می باشد:

۱. در آنجا برای دعوت اسلام سکونت داشته باشد، پس این در زمره جهاد شمرده می شود و از انواع فرض کفایی می باشد.

<sup>۳۷</sup> المفتی شوقی ابراهیم علام، الإقامة ببلاد غير المسلمين (مصر: دارالإفتاء المصرية، ۲۰۱۹ م).

<sup>۳۸</sup> الشيخ محمد صالح العثيمين، احكام الإقامة في بلاد الكفر؟، طريق الإسلام (islamway.net) تاريخ استفادة: ۲۰۰۶-۱۰-۱۲م.

۲. در آنجا برای این سکونت داشته باشد که از عقاد و حالات کفار واقف شده دیگران را از آن آگاهی دهد، این نوع هم مانند نوع اول درست می‌باشد.

۳. برای نیازمندی‌های کشور اسلامی در آنجا سکونت داشته باشد مانند سفیران و غیره، لذا حکم این نوع هم برای کاری که بنابر آن در آنجا سکونت داشته، بر آن موقوف می‌باشد.

۴. برای کدام حاجت و کار مباح در آنجا سکونت داشته باشد، مانند: تجارت، علاج و معالجه و غیره، پس برای این نوع امور بقدر نیاز و ضرورت سکونت کردن جائز می‌باشد.

۵. برای درس و تعلیم در آنجا سکونت داشته باشد، این نوع مانند نوع چهار بقدر نیاز و ضرورت، سکونت جائز می‌باشد، البته برای نوع نسبتاً خطر بیشتر دارد؛ زیرا که محصل سعی و تلاش می‌کند که تا اینکه عادات و اخلاق استاد و رفقای خویش را یاد بگیرد، لذا برای این نوع غیر از دو شرط اساسی که قبلاً بیان شد، چند شرایط دیگر نیز اضافه می‌شود:

۱. ۵. محصل در سوبه‌ی قرار داشته باشد که از نگاه عقل و شعور، و تمیز بین خوب و بد، فرق کرده بتواند و آینده خود را حفاظت نماید.

۱. ۵. محصل اینقدر علم شریعت را حاصل کرده باشد که بر مبنای آن بین حق و باطل فرق کرده بتواند؛ تا اینکه در فریب ایشان نخورد.

۶. برای سکونت در آنجا اقامت نماید، این نوع خطر زیادی دارد؛ زیرا که بنابر سکونت دائمی در فساد اخلاقی مبتلا شده و محبت‌شان در قلب وی داخل می‌شود، و همچنان سبب کثرت جماعت کفار نیز می‌گردد.

د. شیخ محمد یوسف قرضاوی رحمه الله در صفحه خویش در رابطه به مسئله فوق بعد از توضیح و تحلیل چنین نوشته اند: (شروط لا بد منها لجواز الإقامة:.... وأجملتها في خمس واجبات: يحافظ على دينه، وينمي حياته الروحية والثقافية والفكرية، ويحافظ على أسرته؛ زوجته وأولاده، ويتعاون مع إخوانه المسلمين من حوله، ف "كل غريب للغريب نسيب"، ولا يستطيع المسلمون أن يؤكدوا وجودهم إلا من خلال عمل جماعي، فكيف بينون مساجد لعبادتهم، وكيف بينون مدارس لتعليم أولادهم، وقيمون أندية لأنشطتهم الاجتماعية والترويحية، ثم هناك واجبه نحو الذين يعيش من حولهم، سواء كانوا أمريكيين أو أوروبيين، في أن يدعوهم إلى الإسلام ويعرفهم به من خلال أقواله وأفعاله وسيرته وأسوته، وأخيراً واجبه نحو الأمة الإسلامية، فهو جزء من الأمة الكبرى وينبغي أن يعنى بقضاياها.

وأذكر أنني قلت للإخوة في تلك الأيام إن من لم يستطع منكم أن يحافظ على نفسه وأسرته، وأولاده، وذريته، وخاف أن يضيع دينهم، فليبدأ رحلة العودة لبلده من الغد، وأذكر أن أحد الإخوة في القاهرة جاء بعدها بستين، وقال: أنا فلان الفلاني، وسمعت محاضرتك في نيوجيرسي حيث قلت لنا: إن من لم يستطع المحافظة على دينه فليبدأ رحلة العودة من الغد، وأنا لم أستطع أن أحافظ على أبنائي خصوصاً بناتي، وكدن يضعن مني، فبدأت رحلة العودة وربنا فتح لي هنا).<sup>۳۹</sup>

از سخنان شیخ قرضاوی رحمه الله سطور ذیل برداشت می‌شود که:

(شرایط اقامت در کشور کفار به‌طور خلص در پنج چیز می‌شود: دین خویش را حفاظت نماید، زندگی باطنی و فکری خود را ترویج دهد، خانواده (زن و فرزند) خود را نگهداری نماید، با مسلمان دیگر تعاون و کمک داشته باشد؛ زیرا که در غربت هر غریب و مسافر برای دیگری خویشاوند است، و همچنان بدون تعاون دیگران نمی‌تواند شعائر دین و دیگر امور مربوطه را قائم کرده بتواند. به یادم است که: من روزی به یکی از برادران گفتم که اگر کسی از شما دین و خانواده خویش را حفاظت کرده نتواند و خوف ضائع شدن دین را داشته باشد، پس باید سر از فردا از کشور غیر اسلامی کوچ نماید، و در یادم است که یکی از برادران در قاهره بعد از این سخن، دو سال بعد آمد و برایم گفت که من فلان و فرزند فلان هستم، و سخنرانی شما را شنیدم که برای ما گفتید که: کسی از شما توان حفاظت دین و خانواده خویش را نداشته باشد پس باید از آنجا کوچ نماید لذا من خوف ضائع شدن اولاد خود، خصوصاً دختران خود را داشتم، لذا از آنجا برگشتم پس الله متعال دروازه‌های خویش را برایم گشود).

<sup>۳۹</sup> موقع الشيخ يوسف القرضاوي، شروط الإقامة في بلاد غير المسلمين، شروط الإقامة في بلاد غير المسلمين | موقع الشيخ يوسف القرضاوي (al-qaradawi.net)، تاريخ النشر: ۲۰۰۹/۱۴/۱۰ م.

لذا از اقوال فقهای کرام و علمای معاصر همین برداشت می‌شود که: سکونت در کشورهای غیراسلامی به‌طور کلی نه ممنوع است و نه بدون کدام قیودات، جائز است، بلکه برای آن بنابر ضرورت و نیازمندی‌ها، و حالت مقیم، شرایط مختلف می‌باشد که بر اساس آن گفته می‌توانیم که در کدام صورت سکونت مباح و یا مستحب است و یا در کدام صورتها ممنوع و ناجائز و یا مکروه می‌باشد.

البته با آن هم انسان باید تا حد توان خویش، سعی و تلاش نماید که خود را در مواقع فتنه و فساد نیندازد؛ تا اینکه بعدا سبب ندامت دنیوی و خسران آخرت نشود؛ زیرا که در احادیث مختلف، در این ارتباط وعیدهای زیادی وارد شده است و همچنان برای کسانی که با کفار مشابهاً اختیار می‌کنند نیز وعیدات ذکر شده است. "من تشبه بقوم فهو منهم"<sup>۴۰</sup> و در صورت سکونت نمودن در کشورهای غیر مسلم، زندگی که در آن هیچ نوع مشابهاً در وضع و قطع با کفار نباشد، ممکن نیست، پس از همه بهتر همین است که: با آن کمی و کاستی که در کشور خودش است، به آن قناعت نموده، با آبرو و با عزت زندگی نماید.

<sup>۴۰</sup> ابو عبدالله محمد بن عبدالله الخطیب التبریزی، مشکاة المصابیح، کتاب اللباس (کراچی: قدیمی، بی تا)، ۳۷۵/۲.

## نتیجه گیری

در صورت لاحق شدن ضرر بر دین و اخلاق شخص مسلمان، هجرت کردن از کشورهای غیراسلامی لازم است. معنی و مفهوم هجرت عام است که بر ترک وطن و ترک معاصی هر دو اطلاق می‌گردد. در تاریخ اسلام اقسام هجرت مختلف بوده که فقهای کرام در کتابهای خویش انواع گوناگون آنرا بیان نموده‌اند. برای بودن دار، سه چیز شرط است: اقلیم، سگان، و سلطنت. در صورت عدم تحقق این سه چیز، هیچ جایی را بنام "دار" یاد کرده نمی‌شود. مسئله تقسیم دار، دار الاسلام و دار الکفر، بین فقهای کرام متفاوت بوده و آنرا به عناوین و تقسیمات مختلفی بیان نموده‌اند. اکثر کشورهای اسلامی، در عصر کنونی بنا بر عدم نفاذ احکام اسلامی به‌طور کامل، در ضمن دار الاسلام حکمی داخل است. تا حد امکان، کشورهای اسلامی را اگرچند تمام احکامات اسلام در آنها نافذ نباشد، بازهم دار الکفر گفته نشود؛ تا اینکه در تحت تسلط کفار داخل نشود. کشورهای غیراسلامی هم به اعتبار قانون و قیودات، مختلف می‌باشد که حکم سکونت در آنها نیز متفاوت است. سکونت در کشورهای غیراسلامی نزد اکثر علمای کرام، در حالات عادی از کراهت خالی نیست. در صورتی که یک شخص هیچ جرمی را مرتکب نشده ولی با آنها جان وی در خطر باشد، می‌تواند در کشورهای غیراسلامی برای حفاظت جان خویش سکونت نماید. برای جواز سکونت در کشورهای غیراسلامی، حفاظت دین و اخلاق اسلامی شرط است و در غیر آن سکونت جواز ندارد. در هنگام ضرورت، برای علاج و معالجه، رفتن به کشورهای غیراسلامی درست است. مسئله تحصیل در کشورهای غیراسلامی خیلی حساس می‌باشد لذا در این ارتباط توجه خاص صورت گیرد، خصوصاً محصلین که از احکام اسلام آگاهی بیشتر نداشته باشند برای شان خطرات زیاد دینی و اخلاقی در مسیر راه قرار دارد. بدون نیاز و ضرورت، مسلمانی که در بین کفار سکونت دارد، و چنین سکونت را بر کشورهای اسلامی ترجیح می‌دهد، در ارتباط آن در نصوص شرعی و عیدات زیادی بیان شده است. اکثر و بیشتر علمای معاصری که در رابطه به سکونت در کشورهای غیراسلامی فتوی داده‌اند و یا اظهار نظر کرده‌اند، مسئله را یک جانبه فیصله نکرده‌اند بلکه تفصیل و توضیحی در این رابطه بیان نموده‌اند که بر مبنای آن در بعضی صورتهای سکونت در کشورهای غیراسلامی، مباح، و در بعضی حالات دیگر مکروه و یا ممنوع می‌باشد.

## فهرست منابع

## قرآن کریم

- ترجمه قرآن کریم فارسی. محمد انور البدخشانی. عربستان: مجمع ملک فهد، چاپ اول ۱۳۹۷ ه. ش.
- العسقلانی، الحافظ شهاب الدین ابن حجر. فتح الباری فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، بی تا، الطبعة الثانية.
- ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز. رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دارالکفر، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ ه. ق.
- الجوزیة، محمد بن ابی بکر ابن قیم ۷۵۱ هـ. أحكام أهل الذمة. تحقیق. طه عبد الرؤوف سعد. بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الثانية ۱۴۲۳ ه. ق - ۲۰۰۲ م.
- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم بن محمد الشهیر یابن نجیم الحنفی. دراسة وتحقیق. احمد عزو عناية دمشقي. البحر الرائق شرح كنز الدقائق. بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى ۱۴۲۲ ه. ق - ۲۰۰۲ م.
- البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغيرة، أبو عبدالله. المحقق. محمد زهير بن ناصر الناصر، الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه و سلم وسننه وأيامه. بیروت: دار طوق النجاة، الطبعة الأولى ۱۴۲۲ ه. ق.
- بوقرة، سفيان بوقرة طالب دكتوراه. تقسيم العالم بين الأصول الإسلامية و التنظيم الدولي المعاصر. بی جا: جامعة الوادی (الجزائر) تاریخ النشر، ۲۰۲۱ م.
- التبریزی، أبو عبدالله محمد بن عبدالله الخطیب. مشکاة المصابیح. کراچی: قدیمی، بی تا.
- الترمذی، محمد بن عیسی أبو عیسی السلمي. تحقیق. أحمد محمد شاکر وآخرون، سنن الترمذی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۵ ه. ق - ۱۹۷۵ م.
- الجرجانی، علي بن محمد بن علي. تحقیق. ابراهیم الأبیاری. التعريفات. بیروت: دار الکتب العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۰۵ ه. ق.
- الحصاص، أحمد بن علي الرازي أبو بكر. تحقیق. محمد الصادق قمحاوي. أحكام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ ه. ق/ ۱۹۹۴ م.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد أبو نصر. الصحاح فی اللغة. القاهرة: دارالحديث، بی تا.
- الحصکفی، محمد بن علی بن محمد بن عبدالرحمن الحنفی. الدر المختار شرح تنویر الابصار مع رد المحتار. بیروت: دارالکفر، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ ه. ق.
- الرازی، محمد بن ابی بکر بن عبد القادر. ضبطه وصححه احمد شمس الدین، مختار الصحاح. بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى ۱۴۱۵ ه. ق - ۱۹۹۴ م.
- رشید احمد، مفتی. احسن الفتاوی. کراچی: ایچ ایم سعید، ۲۰۰۱ م.
- السرخسی، شمس الدین أبو بکر محمد بن ابی سهل. دراسة وتحقیق. خليل محي الدين الميس. المبسوط. بیروت: دار الفكر، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱ ه. ق / ۲۰۰۰ م.
- الشاطبی، أبو اسحاق ابراهیم بن موسی بم محمد. تحقیق. أبو عیبة مشهور بن حسن آل سلمان. الموافقات. المملكة العربية: دار ابن عقیان، بی تا.
- الشعراوی، محمد متولي. المتوفی: ۱۴۱۸ ه. ق. تفسیر الشعراوی. مصر: مطابع أخبار اليوم، ۱۹۹۷ م.

- الشوكاني، للشيخ الامام المجتهد العلامة الرباني قاضي قضاة القطر اليماني محمد بن علي ابن محمد. المتوفى سنة ١٢٥٥ هـ-١٩٧٣ م. نيل الاوطار من أحاديث سيد الاخبار شرح منتقى الاخبار. بيروت: دار الجيل، بي تا.
- بن عامر، عماد. الهجرة إلى بلاد غير المسلمين، حكمها، ضوابطها وتطبيقاتها. بيروت: دار ابن حزم، بي تا.
- الجربوع، عبدالعزيز صالح. الاعلام بوجوب الهجرة من دار الكفر الى دار الاسلام. المكتبة الشاملة الذهبية. بي جا، بي نا، بي تا.
- العظيم آبادي، عون المعبود شرح سنن أبي داود للعلامة أبي الطيب محمد شمس. عون المعبود شرح سنن أبي داود. بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية ١٤١٥ هـ. ١٩٩٥ م.
- الحنفي، بدر الدين العيني. عمدة القاري شرح صحيح البخاري. بيروت: دارالكتب العلمية، بي تا.
- فتاوى بينات. كراچی: مكتبة بينات، جامعة العلوم الاسلامية، بي تا.
- الفيومي، أحمد بن محمد بن علي المقري. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي. بيروت: دار الكتب العلمية، بي تا.
- القرضاوي، د يوسف. فقه الاقليات المسلمة. مصر: دارالشروق، بي تا.
- القرطبي، المؤلف: أبو عبدالله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين (المتوفى: ٦٧١ هـ). المحقق. هشام سمير البخاري. الجامع لأحكام القرآن. الرياض: دار عالم الكتب، ١٤٢٣ هـ/٢٠٠٣ م.
- الكاساني، علاء الدين ابي بكر بن مسعود الحنفي الملقب بملك العلماء المتوفى سنة هج ٥٨٧. بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. كوئته: المكتبة الحبيبية كانسي رود، الطبعة الاولى، ١٤٠٩ هـ ق ١٩٨٩ م.
- المباركفوري، للامام الحافظ أبي العلام محمد عبد الرحمن ابن عبد الرحيم (١٢٨٣ - ١٣٥٣ هـ ق)، تحفة الاحوذى بشرح جامع الترمذي. بيروت: دار الكتب العلمية، بي تا.
- النووي، أبو زكريا يحيى بن شرف النووي الدمشقي سنة ٦٧٦. تحقيق الشيخ عادل. أحمد عبد الموجود الشيخ علي محمد معرض. روضة الطالبين. بيروت: دار الكتب العلمية، بي تا.
- كفايت الله، مفتي. كفايت المفتي. كراچی: دار الاشاعت، طبع اول جديد، ٢٠١٠ م
- و الاسلام، حكم اقامت در بلاد غير مسلمان - پایگاه جامع دينی و خبری اهل سنت ايران (avayesunnat.com).
- الإقامة ببلاد غير المسلمين. المفتي شوقي ابراهيم علام. دارالإفتاء المصرية. رقم الفتوى: ٤٧٠٢، تاريخ النشر: ٠٢ يناير ٢٠١٩، الإقامة في بلاد غير المسلمين - الفتاوى - دار الإفتاء المصرية - دار الإفتاء (dar-alifta.org).
- الشيخ محمد صالح العثيمين. ما حكم الإقامة في بلاد الكفار؟ - محمد بن صالح العثيمين - طريق الإسلام (islamway.net) تاريخ نشر: ٠١-١٢-٢٠٠٦.
- موقع الشيخ يوسف القرضاوي. تاريخ النشر: ١٠/١٤/٢٠٠٩ م القرضاوي. شروط الإقامة في بلاد غير المسلمين | موقع الشيخ يوسف القرضاوي (al-qaradawi.net).